روزنامه سیستان و بلوچستان
دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۶ ـ ۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ ـ شماره ۹۳۱
www.khorasannews.com
e-mail:info@khorasannews.com
روزنامه سیستان و بلوچستان: رتبه هشتم نشریات استانی
سرپرستی زاهدان: خیابان مولوی-نبش مولوی ۲۱
تلفن آگهی و اشتراک: ۳۳۲۱۷۸۶۶ ۰۵۴
تلفن مسئول تحریریه: ۳۳۲۱۷۸۶۹ ۰۵۴
نمابر تحریریه: ۳۳۲۱۷۸۶۴ ۰۵۴
تلفن‌های تحریریه: ۳-۳۳۲۱۷۸۶۲ ۰۵۴
تلفن و نمابر سرپرست دفتر: ۳۳۲۱۷۸۶۵ ۰۵۴
چاپخانه: شهرچاپ خراسان
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: علی ولی زاده
دفتر مرکزی: مشهد، بلوار سازمان آب
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰ - ۰۵۱
نمابر شهرستان‌ها: ۳۷۶۷۴۳۳۴ ۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

امروز	اوقات شرعی به افق زاهدان	فردا
۰۴:۴۹	اذان صبح	۰۴:۵۰
۰۶:۰۸	طلوع آفتاب	۰۶:۰۹
۱۲:۲۳	اذان ظهر	۱۲:۲۳
۱۸:۳۸	غروب آفتاب	۱۸:۳۶
۱۸:۵۵	اذان مغرب	۱۸:۵۳

امروز	زاهدان	فردا
۱۵ ـ ۳۵	۱۶ ـ ۳۴	

زندگی «زیبا» در رقابتی نازیبا

سازجدایی با مهریه ۷۰۰ سکه‌ای

شهرکیـ نمی دانم کی از زندان خلاص می شوم؟ مدت هاست که خوشی از زندگی من رخت بر بسته است و ناامیدم. الان هم در زندان به سر می برم و نمی دانم چند وقت دیگر باید این جا باشم؟

مرد ۲۷ ساله در حالی که ناامیدی در کلامش موج می زند به دوردست خیره می شود و می گوید: دلم برای دختر ۶ ساله ام تنگ شده است. از روزی که دست سرنوشت مرا به زندان انداخت او را ندیدم. کمی سکوت می کند. گویا به خاطرات گذشته بر می گردد. وقتی دوباره به حال و هوای کنونی اش بر می گردد از او می خواهم قصه زندگی اش را تعریف کند. دلش را به دریا می زند و می گوید: چه بگویم؟! هرچه بگویم رنج هایم بیشتر می‌شود.

مهریه ۷۰۰ سکه‌ای

۲۰ ساله بودم، در اوج جوانی و ابتدای راه. گمان می کردم فردای خوبی پیش رویم است و می توانم با نیروی جوانی همه مشکلاتم را پشت سر بگذارم. شاد بودم و تلاش می کردم تا زندگی خوبی داشته باشم. با کمک پدرم خودرویی خریده بودم و با آن مسافرکشی می کردم. پول خوبی داشتم و می توانستم یک زندگی را اداره کنم. از طرفی دوستانم هم یکی یکی ازدواج می کردند و همین موجب شد تا من هم تمایل به ازدواج داشته باشم. در یکی از آن روزها نگاه دختر هم سن و سالم مرا اسیر خود کرد و از آن پس همه تلاشم این بود تا به «زیبا» برسم. چند باری به قصد آشنایی همدیگر را دیدیم و گمان می کردم همان دختری است که می توانم یک عمر در کنار او با خوبی و خوشی زندگی کنم. به او بسیار وابسته شده بودم و می خواستم زیبا را به دست بیاورم. او هم به من وابسته شده بود و هر روز با بهانه و بی بهانه با یکدیگر صحبت می کردیم. من که دیگر نمی توانستم دوری او را تحمل کنم تصمیم گرفتم خانواده ام را در جریان این رابطه قرار دهم به همین دلیل یک روز با پدرم درباره زیبا صحبت کردم. پدرم در ابتدا پذیرفت تا جلسه ای برای آشنایی دو خانواده برگزار شود و در صورتی که مشکلی وجود نداشته باشد خواستگاری انجام شود. من که دل در دلم نبود خوشحال بودم که از سوی خانواده ام با مخالفت روبه رو نشدم.

در دیدار اول خانواده ها با یکدیگر آشنا شدند و قرار خواستگاری گذاشته شد. از آن پس زیبا را همسر خود می دانستم و به همین دلیل به خواسته هایش پاسخ مثبت می دادم. شب خواستگاری همه قول و قرارها را گذاشتیم و در نهایت صحبت از مهریه شد. پدر و مادر زیبا و حتی خودش اصرار زیادی داشتند که مهریه اش ۷۰۰ سکه باشد، زیرا دختران فامیل آن ها مهریه های بالایی داشتند و زیبا هم می خواست در این رقابت نامیمون پیروز باشد.

مخالفت پدرم

من که می خواستم او از هر نظر راضی باشد قبول کردم اما پدرم با این میزان مهریه مخالف بود. به من می گفت مهریه هر چه باشد موظف به پرداخت آن هستی و این میزان مهریه متناسب با توانایی و درآمد تو نیست. اگر روزی اتفاقی بیفتد ممکن است به خاطر مهریه به زندان بروی. اما من باشناختی که از زیبا داشتم اصلا گمان نمی کردم روزی به دلیل مهریه مرا به زندان بیندازد. به پدرم اطمینان خاطر دادم که هیچ اتفاقی نمی افتد و ما در کنار هم خوشبخت می شویم. زندگی مشترک خود را در زابل شروع کردیم و یک سالی از ازدواج ما گذشت که دخترم به دنیا آمد. من هم با خودرویی که داشتم خرج زندگی را تامین می کردم اما ناسازگاری های همسرم کم کم شروع شد. او که توقع داشت زندگی بهتری داشته باشد دایم جر و بحث و خود را با دیگر دختران فامیل مقایسه می کرد و دلش می خواست زندگی بهتری داشته باشد. من هم که او را بسیار دوست داشتم برای راضی نگه داشتنش هر کاری می کردم تا این که او آواز رفتن به مشهد را سر داد و گمان می کرد در مشهد زندگی بهتری منتظر اوست. همه پس اندازم را برای زندگی در مشهد صرف کردم اما بر خلاف انتظار همسرم مشهد هم او را در رسیدن به رویاهایش یاری نداد. بنابراین دوباره به زابل برگشتیم. اندک پولی برایم باقی مانده بود و خودروی پرایدی که با آن مسافرکشی می کردم که همسرم این بار در فکر راه اندازی یک مغازه بود و خواست با پس انداز اندک باقی مانده و پول حاصل از فروش خودرو مغازه را راه اندازی کنیم. اما این بار هم بخت با ما یار نبود و پس از مدتی کار در مغازه ورشکست شدم.

زندان و ساز جدایی

دیگر از این همه شکست در زندگی خسته شده بودم و نمی خواستم وارد هیچ کار دیگری شوم. این در حالی بود که دیگر حتی خودرویی هم نداشتم که با آن مسافرکشی کنم. همسرم این بار ساز جدایی زد و برای از پا در آوردن من درخواست مهریه اش را داد. مات و مبهوت مانده بودم و هیچ گاه گمان نمی کردم زندگی ام به جایی برسد که مجبور به پرداخت مهریه شوم! گمان می کردم زیبا بیشتر از این همراهم باشد، چون من هر کاری کردم تا او راضی باشد اما زمانی که دیگر توان مقابله با مشکلات زندگی را نداشتم رهایم کرد و بدتر این که به دلیل مهریه من را به زندان انداخت.

۲۷ سال از زندگی ام می گذرد و ۹ ماه است که پشت میله های زندان در انتظار آزادی به سر می برم. قرار است سند بگذارند و با سند آزاد شوم اما هنوز هیچ چیز معلوم نیست. باید جلسات دادگاه برگزار شود یا همسرم رضایت بدهد ولی زیبا رضایت نمی دهد که آزاد شوم. مهریه اش ۷۰۰ سکه است و من هم پولی ندارم که در قبال مهریه پرداخت کنم. نمی دانم تا کی قرار است در زندان باشم؟ دلم برای دخترم تنگ شده است و ماه هاست که او را ندیدم. چون زیبا دخترم را به همراه خود به منزل پدرش برده است. کاش حداقل اجازه می داد دخترم را ببینم!

اخبار

کشف محموله میلیاردی کالای قاچاق در استان

گروه حوادثـ ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون ریال انواع کالای قاچاق در استان کشف شد.

فرمانده انتظامی استان گفت: ماموران اداره مبارزه با قاچاق کالا و ارز پلیس آگاهی چابهار موفق به کشف مقادیر قابل توجهی کالای قاچاق شامل انواع لوازم آرایشی، لوازم خانگی، دوچرخه، برنج و مواد غذایی از ۷ خودرو شدند که در این رابطه ۷ دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ توقیف شد و ۷ قاچاقچی دستگیر شدند.

به گزارش پایگاه خبری پلیس سردار «محمد قنبری» افزود: متهمان به همراه کالاهای کشف شده با تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

سارقان احشام در هیرمند دستگیر شدند

در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی پنج سارق احشام در هیرمند دستگیر و ۶ فقره سرقت کشف شد.

فرمانده انتظامی هیرمند گفت: همچنین ماموران موفق شدند ۲۰ کیلوگرم تریاک، ۱۰ کیلوگرم هرویین، بیش از ۱۱ هزار عدد انواع قرص غیرمجاز و یک قبضه سلاح جنگی و ۴ قبضه سلاح شکاری غیرمجاز کشف کنند که ۱۰ متهم نیز در این رابطه دستگیر شدند.

سرهنگ «حسین سنچولی» افزود: این طرح به مدت یک هفته اجرا شد که یک دستگاه موتورسیکلت سرقتی کشف، ۱۰ دستگاه خودرو و ۱۵ دستگاه موتورسیکلت متخلف نیز توقیف و برای سیر مراحل قانونی روانه پارکینگ شد.

کشف ۱۵ هزار لیتر سوخت قاچاق در سیب و سوران

۱۵ هزار و ۱۵۰ لیتر سوخت قاچاق از نوع گازوئیل در سیب و سوران کشف شد.

فرمانده انتظامی سیب و سوران گفت: ماموران به دو دستگاه کامیون کشنده مشکوک شدند و برای بررسی آن را متوقف کردند.

سرهنگ «حیدر حق جویان» افزود: در بازرسی از این خودروها ۱۵ هزار و ۱۵۰ لیتر سوخت قاچاق از نوع گازوییل خارج از چرخه قانونی توزیع، کشف شد و دو نفر متهم نیز دستگیر شدند.

تانکر حامل سوخت قاچاق در ایرانشهر توقیف شد

تانکر حامل ۱۵ هزار لیتر سوخت قاچاق در ایرانشهر توقیف شد.

فرمانده انتظامی ایرانشهر گفت: ماموران به یک دستگاه تانکر نفت کش مشکوک شدند و برای متوقف کردن خودرو به راننده دستور ایست دادند که راننده خودرو با بی توجهی فرار کرد.

سرهنگ «دوستعلی جلیلیان» افزود: راننده تریلر کشنده از مسیر اصلی به طرف جاده های فرعی و روستاهای اطراف تغییر مسیر داد اما با تنگ شدن عرصه خودروی حامل سوخت قاچاق متوقف شد.

وی با اشاره به تلاش برای دستگیری این قاچاقچی خاطرنشان کرد: ماموران در بازرسی از خودرو ۱۵ هزار لیتر سوخت قاچاق از نوع نفت گاز خارج از چرخه سوخت را کشف کردند.

وی در خبر دیگری از دستگیری و متلاشی شدن باند سارقان مسلح و کشف ۹ فقره سرقت در این رابطه خبر داد و گفت: ماموران چهار سارق مسلح را در حالی که در مخفیگاه خود در یکی از منازل شهر مخفی شده بودند، دستگیر کردند.

وی اظهار کرد: در بازرسی از مخفیگاه متهمان، مقادیری سلاح و مهمات کشف شد. به گفته وی، سر کرده این باند دارای سابقه کیفری چندین فقره سرقت مسلحانه و مشارکت در قتل است.

وی افزود: متهمان در تحقیقات اولیه به ۹ فقره سرقت مسلحانه و عادی در ایرانشهر اعتراف کردند که تحقیقات برای شناسایی مالباختگان و دیگر سرقت های احتمالی این باند همچنان ادامه دارد.

کشف محموله قاچاق ۲۰۰ میلیون ریالی در مهرستان

محموله ۲۰۰ میلیون ریالی کالای قاچاق در مهرستان کشف شد.

فرمانده انتظامی مهرستان گفت: در پی کسب خبری از ورود محموله کالای قاچاق، شناسایی و دستگیری قاچاقچیان در دستور کار ماموران قرار گرفت.

سرهنگ «اسماعیل منصوری» تصریح کرد: ماموران پس از شناسایی محل تردد قاچاقچیان اقدام به ایست و بازرسی مقطعی در محل کردند که به ۴ دستگاه خودرو مشکوک دستور ایست دادند اما رانندگان بدون توجه به فرمان ایست اقدام به فرار کردند.

وی افزود: پس از مدتی تعقیب، قاچاقچیان با به جا گذاشتن خودروهای حامل بار قاچاق از محل متواری شدند که در بازرسی از آن ها ۴ تن برنج قاچاق به ارزش ۲۰۰ میلیون ریال کشف شد.

۵ متخلف زیست محیطی در زابل و زاهدان دستگیر شدند

۵ متخلف زیست محیطی قبل از شروع به شکار غیر مجاز در شهرستان های زاهدان و زابل دستگیر شدند.

مدیر کل حفاظت محیط زیست به ایرنا گفت: از این متخلفان پنج قبضه سلاح کمرشکن کشف شد و برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شدند.

«نیره پورملایی» قاچاق گونه های مختلف جانوری و صید را در کنار خشکسالی از مهم ترین معضلات انسانی و طبیعی محیط زیست سیستان و بلوچستان برشمرد و اظهار کرد: سیستان و بلوچستان دارای تنوع زیستی فراوان و غنای گونه ای پایین است به این معنی که انواع حیوانات را در شمار محدود می توان در پهنه این استان مشاهده کرد.

دستگیری سارق حرفه‌ای و کشف ۷ فقره سرقت

گروه حوادثـ سارق حرفه ای در زاهدان دستگیر و ۷ فقره سرقت منزل نیز کشف شد.

فرمانده انتظامی زاهدان گفت: در پی وقوع چندین فقره سرقت منزل در چند نقطه زاهدان پایش های پلیس برای شناسایی و دستگیری سارق یا سارقان احتمالی آغاز شد.

سرهنگ «علی عارف نژاد» افزود: کارآگاهان سارق سابقه دار و حرفه ای را در زمینه این سرقت ها شناسایی کردند و تحت نظر قرار دادند و متهم سابقه دار با هماهنگی قضایی در عملیاتی دستگیر شد که به ۷ فقره سرقت منزل در نقاط مختلف زاهدان اعتراف کرد. وی با اشاره به دستگیری یک مالخر در این رابطه، خاطرنشان کرد: متهم و مالخر پس از تکمیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

سایه روشن
ازدواج اجباری

گروه حوادثـ از روزی که چشم باز کردم خود را در خانه ای دیدم که شباهتی به خانه به معنای مکانی برای آسایش وآرامش نداشت. پدر و مادرم بدون توجه به حضور من و خواهر و برادرهای کوچک ترم هر روز با هم جر و بحث می کردند. هیچ امیدی به زندگی در آن خانه نداشتم. ۱۴ سالم شده بود که خانواده ام بدون مشورت با من به خواستگاری خانواده خاله ام جواب مثبت دادند. زندگی بدون علاقه و از سر اجبار را با پسر خاله ام شروع کردم چند روزی از زندگی مان می گذشت که پسر خاله ام گفت به خواهر دوستش علاقه دارد و به اجبار مادرش تن به این ازدواج داده است! زمانی که از حس قلبی مان نسبت به هم آگاه شدیم تصمیم گرفتیم زندگی مان را بدون تولد فرزندی ادامه دهیم تا شاید روزی بتوانیم در نبود خانواده ها از هم جدا شویم.

۴ سال از شروع زندگی سردمان در خانه پدر شوهر می گذشت و در این مدت همسرم یک بار هم به من ابراز علاقه نکرده بود. در مراسم ازدواج برادر شوهرم، برادر عروس به من ابراز علاقه کرد و من هم که تشنه محبت بودم از همان شب رابطه ام را با برادر جاری ام شروع کردم. آن قدر حرف های قشنگ می گفت که فکر می کردم همه خلأهای زندگی ام کنار او پر خواهد شد. بنابراین هر روز بیشتر از همسرم فاصله می گرفتم و از او دورتر می شدم. بهترین ثانیه های عمرم را هنگام حرف زدن و بودن کنار «مرتضی» سپری می کردم، محبت ها و عواطفی را که همسرم در این ۴ سال از من دریغ کرده بود در ۵ ماه برایم جبران کرد، اما این شادی زودگذر بود زیرا خانواده شوهرم به تلفن ها ورفت و آمدهایم مشکوک شدند. از آن روز به بعد ورق زندگی برگشت و همسرم برای اولین بار کتکم زد و گفت اگر چه هیچ یک از این وصلت اجباری راضی نبودیم و قرار گذاشته بودیم کنار هم زندگی کنیم اما نباید به هم خیانت می کردیم. چند ماهی همین روند ادامه داشت و دوباره سردی قبل به زندگی ام برگشته بود. نمی توانستم مرتضی را فراموش کنم، حاضر بودم هر کاری کنم که به او برسم تا این که بالاخره موضوع طلاق را با همسرم در میان گذاشتم و بعد از دعواهای زیادی که بین خانواده هایمان راه افتاد به صورت توافقی از هم جدا شدیم. خانواده ام پس از جدایی، حاضر به پذیرفتن من نشدند ناچار کار در یک مهدکودک را آغاز کردم اما این آغاز تلخی های زندگی ام بود. به خاطر مرتضی همه پل های پشت سرم را خراب کردم، اما خانواده مرتضی حاضر نبودند به خواستگاری یک زن مطلقه بیایند و حرف های او برایم به وعده پوچ تبدیل شده بود. زندگی ام را از دست داده بودم و از رفت و آمد با همه اعضای فامیل طرد شده بودم تا این که با عموی یکی از بچه های مهد آشنا شدم. روزهای اول آشنایی بود که موضوع ازدواج را مطرح کرد اما گفت نمی خواهم خانواده ام از این موضوع مطلع شوند. من هم که دیگر امیدی برایم باقی نمانده بود تصمیم گرفتم به درخواست او پاسخ مثبت بدهم. زندگی پنهانی و بدون ثبت قانونی را با «بنیامین» شروع کردم، من همسر دوم او بودم و طبق قرارمان فقط دو روز در ماه نزد من بود. اگرچه از این زندگی در حاشیه و دوری از همسرم راضی نیستم اما برای خروج از بلاتکلیفی به زندگی با بنیامین رضایت دادم. کاش خانواده ام مرا مجبور به ازدواج اجباری در ۱۴ سالگی نمی کردند.

هشدار
نرم‌افزارهای سرقت اطلاعات

برخی از نرم افزارهای نصب شده روی گوشی های هوشمند تلفن همراه جعلی است و کلاهبرداران با شگردی نوین از افراد می خواهند تا با نصب مجدد یا به روزرسانی برخی نرم افزارهای مورد نیاز گوشی هوشمند، از قابلیت جدید این نرم افزارها مانند بازار، موبوگرام و ... بهره جویند.

نحوه کار این جاسوس افزار

پس از دانلود و نصب نرم افزاری خاص توسط قربانی، نرم افزار مربوطه بدون این که صاحب گوشی مطلع باشد با در اختیار گرفتن برنامه های گوشی از جمله ارسال و دریافت پیامك، شماره های تماس و مخاطبان و ...، اقدام به سرقت اطلاعات یا انجام اعمالی بدون اختیار صاحب گوشی می کنند. برررسی های کارشناسان پلیس فتا بیانگر این است که در همه موارد قربانیان به طور یکسان با دانلود نرم افزار از سایت های نامعتبر و نصب نرم افزارهای جعلی به جای نرم افزار اصلی، مورد جاسوسی قرار گرفتند.

منفعت کلاهبرار در جاسوسی از قربانی

سودجویان و کلاهبرداران فضای سایبری از بانك های اطلاعاتی گردآوری شده و جاسوسی از افراد منبع درآمد ایجاد می کنند و در برخی موارد مشاهده شده است از طرف قربانی به فرد دیگری پیامك ارسال یا حتی به قربانی پیشنهاد می شود برای خلاصی از بدافزار مربوطه به سایت های هدف مراجعه کند و به این شکل موجب افزایش بازدید یا تعداد اعضای خود می شوند و راهی برای کسب منفعت مالی ایجاد می کنند.

عاملان انتشار جاسوس افزارها و بدافزارهای رایانه ای تحت هر عنوانی مورد تعقیب پلیس فتا خواهند بود و پلیس فتا به طور قاطع با مجرمان فضای سایبری و افرادی که سعی در برهم زدن آرامش و امنیت روانی دیگر کاربران را دارند برخورد جدی خواهد داشت .

راهکار

کاربران از دانلود نرم افزارهای مورد نیاز خود از سایت های ناشناس، نا امن و شبکه های اجتماعی خودداری کنند و با نصب آنتی ویروس به روز شده از حریم خصوصی خود محافظت به عمل آورند.

پایگاه خبری پلیس